

OCALAN CEASEFIRE IN TURKEY

اعلان آتش بس اوجالان در ترکیه و درسی که می توان آموخت



سه شنبه، مارس 26، 2013 - 10:38

احمد هاشمی

شاید سیاستمداران، افکار عمومی و نخبگان ترکیه به سختی آموختند که نمی توان با آسیمیلاسیون، انکار هویت، اتهام زنی، ارباب و گلوله تفنگ، صداها و متفاوت و هویت های غیرمتجانس را خاموش کرد. میهن پرستان، نخبگان مرکزگرا و تمامی فرهیختگان ایرانی نیز می توانند و باید از تجاری از این دست بیاموزند و واقعیت تکرر زبانی و تنوع قومی و اتنیک ایرانی و مهمتر از آن، الزامات مترتب بر این تنوع و گوناگونی را بپذیرند تا پس از سرنگونی رژیم ریش سالاران و دستاربندها، ایرانی درخور، مترقی و "همدل" و نه لزوما همزبان داشته باشیم

بالاخره روز تاریخی آناتولی فرا رسید و آنطور که گمان می رفت عبدالله اوجالان رهبر حزب غیرقانونی کارگران کردستان ترکیه یا پکک از زندانی در یکی از جزایر تبعیدگاهی واقع در دریای مرمره موسوم به «زندان ایمرالی» پیامی را فرستاده و از اعضای پکک خواست سلاح ها را کنار بگذارند و ترکیه را به سمت شمال عراق ترک کنند. اوجالان این امر را به مثابه پایان مبارزه ندانسته و از کردها خواست تا در قالب فعالیت سیاسی به مبارزه خود ادامه دهند.

متن پیام اوجالان ابتدا توسط خانم پروین بولدان به زبان کردی و متعاقبا متن ترکی همان پیام توسط آقای سرری ثریا اوندرا - که هر دو از نمایندگان مجلس ترکیه از حزب کردی صلح و دموکراسی می باشند - قرائت شد. جمعیت حدود 2 میلیون نفری در محوطه میدان و پارک نوروز در شهر دیاربکر، بزرگترین شهر کردنشین ترکیه، گرد آمده بودند تا ضمن برگزاری جشن نوروز و آغاز سال نو در 21 مارس، پیام تاریخی اوجالان را نیز بشنوند. علیرغم اینکه پرچم پکک، تصاویر عبدالله اوجالان و شعارهای «زنده باد رهبر آپو (اوجالان)» و «آپو را آزاد کنید» به زبان کردی در جای جای میدان دیده و شنیده می شد - امری که تا 10 سال پیش تصور آن هم غیرممکن بود - ولی به گواهی خبرنگاران حاضر در صحنه، ترکیه صلح آمیزترین مراسم نوروز سالهای اخیر را برگزار کرد.

پیشینه مشکل کردی

مشکل کردی و تبعیض علیه کردها به تاریخ تاسیس جمهوری ترکیه در سال 1923 توسط کمال آتاترک باز می گردد. در آن تاریخ موجودیت کردها به عنوان ملیتی متمایز و دارای فرهنگ، زبان و هویتی غیر ترکی نادیده گرفته شده و کردها به عنوان «ترکهای کوهستانی» و زبان کردی به عنوان زبانی بی بنیان که آمیزه ای از زبانهای ترکی، فارسی و عربی می باشد به حساب آمد. سیاست تُرک سازی، تحقیر، انکار و آسیمیلاسیون با مقاومت کردها روبرو شد ولی با شدت تمام توسط ارتش قدرتمند ترکیه سرکوب گردید. شورش کوچگیری در سال 1920، قیام شیخ سعید در سال 1925، طغیان آزارات در سال 1927 که تا سال 1930 ادامه داشت با واکنش سرسختانه ارتش ترکیه روبرو شد و برای دهه های بعد، هرگونه فعالیت فرهنگی و سیاسی و حتی تکلم به زبان کردی ممنوع گردید. در نتیجه این سیاستهای سختگیرانه، کردها به مدت 4 دهه وادار به سکوت شدند ولی در سالهای دهه 1970 و با رشد گروههای چپگرا، در سال 1974 سازمانی چریکی و مارکسیست-لنینیست بنام حزب کارگران کردستان، (اختصارا پکک) توسط عبدالله اوجالان تاسیس شد ولی اوج فعالیت های خشونت آمیز آن در دو دهه 80 و 90 میلادی به وقوع پیوست. با وجود اینکه وی در سال 1999 دستگیر شده و مدت 14 سال است

که دوران حبس ابد خود را می گذرانند ولی ترکیه با دارا بودن یکی از قدرتمندترین ارتش های ناتو نتوانست این جنگجویان را - که آرمان حداقل بخشی از مردم کرد را نمایندگی می کردند - ریشه کن نماید و چاره کار را در گشایش، آزادی، دموکراسی و تامین حقوق فرهنگی کردها دید.

از سال 2002 با روی کار آمدن حزب اسلامگرا و در عین حال، عملگرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، اصلاحات ساختاری زیادی برای رفع مشکل کردی در کشور ترکیه به اجرا درآمده است تا به جنگی که جان 40 الی 50 هزار نفر را گرفته است پایان داده شود و دولت کنونی تا حدود زیادی در این راه موفقیت آمیز عمل نموده است. از جمله این اصلاحات عبارتند از:

راه اندازی دیارتمان زبان و ادبیات کردی در تعدادی از دانشگاه های ترکیه؛ راه اندازی شبکه تلویزیونی دولتی TRT-6 که به صورت 24 ساعته به زبان کردی برنامه پخش می کند؛ افزودن واحدهای اختیاری آموزش زبان کردی در مدارس؛ امکان دفاع متهمان در دادگاه به زبان مادری؛ و مهمتر از همه برچیدن حالت فوق العاده اضطراری و نظامی در مناطق کردنشین.

همچنین، در این راستا، قرار است زندان مرکزی دیاربکر که محل قتل و دفن مخفیانه دهها فعال، نویسنده و چریک کرد - معروف به قتل های با فاعل مجهول- می باشد تبدیل به موزه عبرت شود.

البته این اصلاحات از دید اقلیتهای ترکیه کافی به نظر نمی رسد و فعالیتهایی پیرامنه در جریان است تا در زمینه موضوعاتی از قبیل بازتعریف مفهوم ملت ترک در قانون اساسی جدید و تضمین و نهادینه کردن حقوق فرهنگی، زبانی و هویتی کردها در آن، برقراری سیستم رسمی آموزش چندزبانه ترکی، کردی، عربی، زازاکی و غیره و اعطای خودمختاری اداری و سیاسی به کردها تصمیم گیری شود. این مباحث، موضوعات جدید و متهورانه ای است که برای اولین بار در سطوح مختلف کشور ترکیه مورد بحث و مذاکره قرار می گیرند.

در مورد علت و چرایی این رویداد می توان اشاره کرد که دولت و ارتش ترکیه هیچ وقت نتوانست مقبولیت و مشروعیت لازم را در مناطق کردنشین به دست آورد همچنانکه احزاب ناسیونالیست و تجزیه طلب کردی و گروه تروریستی پکک نیز نتوانستند محبوبیت بالایی را برای آرمان خود مبنی بر جدایی از ترکیه و تاسیس کشور مستقل کردستان، از آن خود کنند و در بهترین حالت حزب ناسیونالیست کردی صلح و دموکراسی فقط توانست آرای حدود 40 درصد از کردها را در انتخابات مختلف بدست آورد. بنابراین، طرفین درگیر یعنی دولت ترکیه و کردها (متشکل از دو شاخه نظامی، شورشیان پکک و شاخه سیاسی، حزب صلح و دموکراسی) مجبور شده اند دست از رویه افراطی خود برداشته و به یک راه حل بینابینی بیاورند که همانا برسمیت شناخته شدن حقوق هویتی، فرهنگی و زبانی کردها توسط دولت ترکیه و دست کشیدن از تجزیه طلبی (استقلال کردستان)، ترور و کشتار توسط گروه پکک و طرح نمودن اصل "خودمختاری دموکراتیک" برای کردها می باشد.

به نظر می رسد این بار اراده لازم در هر دو طرف برای پیشبرد پروسه صلح وجود داشته و با ادامه اصلاحات بنیادین در زمینه حقوق اقلیتها، مناطق کردنشین شاهد نوعی از خودمختاری فرهنگی و سیاسی گردیده و حتی احتمال دارد در صورتیکه همه چیز به خوبی پیش برود، در یک بازه زمانی 10 ساله عبدالله اوجالان نیز شامل عفو و یا تخفیف مجازات از حبس ابد به دوره محکومیت محدود شده و به حوزه فعالیت سیاسی کردها بازگردد.

نقش حل معضل اقلیت کرد در ارتقای جایگاه ترکیه

زمانیکه اوجالان توسط کماندوهای ترک در کنیا ربوده و به ترکیه آورده شد بسیاری از ترکها خواستار اجرای سریع حکم اعدام وی بودند؛ زیرا وی را مسبب جنگی می دانستند که 40-50 هزار نفر تلفات و میلیاردها دلار خسارت برجای گذاشت. ولی دولتمردان ترک با حذف مجازات اعدام (البته فشار اتحادیه اروپا نیز در این تصمیم بی تاثیر نبود) مانع از گسترش احساس نفرت و انتقامجویی در بین کردها و ترک ها و کشیده شدن کشور به ورطه یک درگیری قومی شدند و درعوض از پتانسیل اوجالان زندانی برای ایجاد یک فرمول صلح فراگیر در کشورشان بهره گرفتند. نخست وزیر کنونی، آقای اردوغان علاقه زیادی دارد تا هرچه سریعتر مسئله کردها را به سرانجام مطلوبی برساند تا با فراغ بال بیشتری به بلندپروازیهای خود در عرصه سیاست داخلی (پست ریاست جمهوری در سال آینده) و سیاست خارجی (ایفای نقش ابرقدرت منطقه ای) بپردازد. دستاوردها و موفقیتهایی که وی بدانها نایل شده، انگیزه و اعتماد به نفس او را برای حل مساله کردی افزایش داده است. از جمله این موفقیتها می توان به عذرخواهی اخیر نتانیاهو از ترکیه و پذیرش پرداخت غرامت به خانواده های کشته شدگان ترک در کشتی ماوی مرمه، نقش مسلط ترکیه در منطقه و بویژه در کردستان عراق و قبضه کامل بازار آن منطقه توسط شرکتهای ترک، ایفای نقش در برنامه هسته ای ایران از جمله برگزاری اخیر نشست کارشناسی 5+1 در استانبول، بهره برداری حداکثری از بهار عربی، میزبانی رهبران مخالفان سوریه، رشد بالای 6 درصدی و توفیق اقتصادی چشمگیر علیرغم استمرار بحران اقتصادی اروپا و نهایتا تدوین برنامه بلندپروازانه چشم انداز اقتصادی و سیاسی یکصدمین

سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه در سال 2023 برای تبدیل ترکیه به یکی از 10 قدرت برتر اقتصادی جهان اشاره کرد.

درسهای برای ایران

در تاریخ معاصر کشورمان ایران، موضوع فدرالیسم، خودمختاری فرهنگی، سیاسی و زبانی و بطور کلی قومیتها و حقوق اقوام ایرانی از حساسیت بالایی برخوردار بوده و در هر دو دوره **شاه و شیخ**، سخن گفتن از آن امری ارتجاعی و شایان سرزنش بوده است. قاطبه فرهیختگان و نخبگان سیاسی ایرانی پرداختن به این موضوع بسیار حیاتی و ضروری از نظر تامین حقوق اقوام مختلف ایرانی را خطرناک، اتلاف وقت، و مضر برای تمامیت ارضی ایران میدانند و یا در بهترین حالت، شرایط کنونی را حساس دانسته و بحث در مورد آن را به زمان نامعلومی در آینده موکول کرده اند. پروسه ناقص دولت-ملت سازی آمرانه رضاشاهی مبتنی بر اصل «**یک ملت، یک زبان**» و آموزه های رسمی یکصد ساله اخیر، رویکرد و نگاهی را در بین نخبگان مرکزگرای ایرانی نهادینه نموده است که در آن دولت و قدرت اعمالی اش، دارای ساختار متمرکز، یونیتر و یکپارچه بوده و یک زبان واحد و یک فرهنگ مشخص وجه مشخصه آن می باشد. شوربختانه، این نگاه و گفتمان همچنان مسلط در جامعه، راه حلی پایدار، انسانی و حقوق بشر- محور برای مساله مطالبات اقوام ایرانی در چنته نداشته و تنها راه حل مساله را در حل صورت مساله و حذف فیزیکی و قهری آن می بیند. از روزنه این نگاه تنگ نظرانه و دیگرستیز است که هویتها و زبانهای ریشه دار، متفاوت و متمایز موجود در کشور به آداب و رسوم، خرده گویش و لهجه محلی تنزل جایگاه پیدا می کنند. این نگاه تحقیرآمیز، ضمن تحریف تاریخ و پیشینه ترکها در کشور، جمعیت پرتعداد ترکهای ایرانی را آذری زبان های سست اراده ای می انگارد که با حمله مغول به آذربایجان، همه هستی و هویت خود را باخته و بطور ناگهانی و یک شبه، زبانشان به زبان تحمیلی- وارداتی ترکی آذربایجانی گراییده است؛ یعنی زبانی که با زبان مهاجمان - مغولی - هیچ پیوند، قرابت و اشتراکی ندارد! این نگاه، بجای پذیرش و اعتراف به واقعیت تنوع قومی زبانی در کشور و همزمنی، هم افزایی و همیاری در مبارزه با دشمن مشترک (که همانا خودکامگی دستاربندان و ملایان است)، با زدن افتراهایی از قبیل خائن به کوشندگان قومی و فرهنگی در کردستان، خوزستان و آذربایجان که خواهان رفع تبعیضات ساختاری و تامین حقوق اولیه اقوام ایرانی از قبیل حق تحصیل به زبان مادری می باشند آنها را آماج حملات خود قرار داده و هرگونه ناروایی از جمله به دار آویختن کوشندگان را روا می دارد و یا بر آن چشم می بندد.

از آنجایی که این نگاه مصیبت بار هیچ دستاوردی بجز تضعیف همبستگی ملی، واگرایی نیروهای قومی دموکرات و ضد استبدادی و تقویت جریانات گریز از مرکز به همراه نداشته است زمان آن فرا رسیده تا برای حفظ تمامیت ارضی ایران در فردای پس از جمهوری اسلامی، چگونگی تحقق اصل "وحدت در کثرت" و نهرا سیدن از تنوع، تکثر و چندصدایی را تمرین و عرصه یکه تازی و تکصدایی را از تندروها سلب نماییم. تنوع قومی و زبانی در کشور، تقسیم و تمرکززدایی از قدرت مرکزی به شکل اصولی و تعریف شده در قالب فدرالیسم و خودگردانی محلی را نه به چشم تهدید بلکه باید به عنوان بزرگترین سد در مقابل تجزیه طلبی و فروپاشی کشور و فرصتی برای حضور قدرتمندتر ایران در منطقه دید. در فردای دموکراتیک و فدرال، ترکهای ایران را می باید به عنوان فرصتی برای تاثیرگذاری و تعامل بهتر با همسایگان شمال و شمال غرب به حساب آورد. در جبر جغرافیایی که ایران در آن واقع شده، عربهای خوزستان فرصتی بی نظیر برای تعامل بیشتر با همسایگان جنوبی و غربی می باشند. کردهای کشورمان می توانند پل ارتباطی و زمینه ساز همگرایی کردهای ترکیه، عراق و سوریه با ایران باشند.

شاید سیاستمداران، افکار عمومی و نخبگان ترکیه به سختی آموختند که نمی توان با آسی میلایسون، انکار هویت، اتهام زنی، ارباب و گلوله تفنگ، صداها و تفاوت و هویتها و غیرمتجانس را خاموش کرد. میهن پرستان، نخبگان مرکزگرا و تمامی فرهیختگان ایرانی نیز می توانند و باید از تجاربی از این دست بیاموزند و واقعیت تکثر زبانی و تنوع قومی و اتنیکی ایران و مهمتر از آن، الزامات مترتب بر این تنوع و گوناگونی را بپذیرند تا پس از سرنوشتی رژیم ریش سالاران و دستاربندان، ایرانی درخور، مترقی و "**همدل**" و نه **لزوما همزبان** داشته باشیم. بی تردید، سیاست یکسان سازی، انکار و سرکوب در عصر حاضر ره به جایی نخواهد برد و بقول حضرت مولانا:

ای بسا هندو و ترک همزبان --- ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان مجرمی خود دیگر است --- همدلی از همزبانی خوشتر است.

احمدهاشمی کارمند سابق وزارت خارجه، روزنامه نگار و تحلیلگر مسائل سیاسی و بین الملل
ایمیل نویسنده :

ahmadhash@gmail.com

سایت نویسنده :

<http://ahmaddhashemi.blogspot.com/>

بخش :

[دیدگاهها](#)

انتشار از :

[احمد هاشمی](#)

<https://www.balatarin.com/permlink/2013/3/27/3285398>

<http://iranglobal.info/node/17463>